

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَائِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

روسیه

| شناسنامه مطلب | |
|--|---------|
| b-277-1 | کد مطلب |
| بصیرتی/مباحث آموزشی/گام اول: اطلاعات سیاسی/مقدماتی | رده |
| روسیه، پوتین | برچسب |
| | توضیحات |

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

موقعیت جغرافیایی



«روسیه» با نام رسمی «فدراسیون روسیه» کشوری است اروپایی - آسیایی که پهناورترین کشور جهان محسوب می‌شود به گونه ای که به تنهایی یک هشتم مساحت کل کره ی زمین را شامل می‌شود. این کشور تقریباً دو برابر مساحت کشور کانادا یا چین یا ایالت متحده و حدود نصف مساحت قاره آفریقا می‌باشد. به دلیل قرار گرفتن این کشور در عرضهای بالای جغرافیایی که مناطق سردسیر و کم بارش

هستند بیشتر مناطق این کشور (به ویژه سرزمین بزرگ سیبری) خالی از سکنه بوده و کشاورزی در آن میسر نمی‌باشد. پایتخت روسیه شهر «مسکو» می‌باشد که در یخس اروپایی این کشور قرار دارد. به دلیل پهناوری روسیه ۹ منطقه ی زمانی در آن وجود دارد. این کشور دارای همسایگان بسیاری می‌باشد از جمله: آذربایجان، چین، کره جنوبی، فنلاند، نروژ، لتونی، لهستان، اوکراین، قزاقستان، مغولستان، لیتوانی، بلاروس و گرجستان. نکته قابل توجه این که روسیه از طریق دریا با ژاپن، آمریکا و ایران هم مرز می‌باشد.



تاریخچه

تاریخ روسیه به سده چهاردهم میلادی بازمی‌گردد که قلمرو پادشاهی تجاری مسکو به عنوان بازیگر اصلی در بین چندین منطقه کوچکتر مشابه مطرح شد. ایوان چهارم، معروف به ایوان مخوف، نخستین حاکم مسکو بود که خود را تزار نامید. در سده هفدهم رومانفها به حکومت روسیه دست یافتند و تا سیصد سال بر این کشور حکومت کردند. پتر کبیر و کاترین کبیر از بنام‌ترین این پادشاهان بودند که جنگها و اصلاحات زیادی را در جهت مدرن سازی این کشور پیاده کردند و با اقدامات بزرگشان روسیه را به ابرقدرت اوراسیا تبدیل کردند. در اوایل سده بیستم، نارضایتی‌های عمیق در میان بخش‌های مختلف جامعه روسیه به اعتراضات گسترده‌ای در این کشور انجامید. در شرایطی که حاکمان کشور نسبت به درد و رنج توده‌های مردم بی‌تفاوت به نظر می‌رسیدند، جریان‌های سیاسی رادیکال در کشور نیرو گرفتند. رخداد معروف به دوشنبه خونین در سال ۱۹۰۵، شکست از ژاپن در جنگ ۱۹۰۵ و شکست‌های این کشور در جنگ جهانی اول به این نارضایتی‌ها بسیار دامن زد. با آغاز جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴ میلادی، حکومت تزاری در پی آن بود سیاست‌های توسعه طلبانه خود را تعقیب کند و در عین حال شورش‌های داخلی را به بهانه وقوع جنگ خاموش نماید. تلاش‌های روسیه برای توسعه اراضی خود متوجه دو منطقه بالکان و تنگه‌های بسفور و داردانل بود؛ چراکه بخش بزرگی از صادرات روسیه به ویژه غلات از این تنگه‌ها می‌گذشتند. سیاستمداران و نیروی دریایی روسیه به خوبی از سلطه آلمان بر عثمانی مطلع بودند و آن را برای منافع اقتصادی روسیه زیان آور می‌دانستند. ضعف درونی حکومت تزاری و الحاق این تنگه‌ها به روسیه از راه جنگ امکان‌پذیر نبود از این رو دولت تزار به اتحاد فرانسه و انگلستان پیوست تا بتواند از این طریق بر تنگه‌ها مسلط شود. بدین ترتیب روسیه وارد جنگ شد. طبقات حاکم می‌پنداشتند در این جنگ احساسات وطن پرستانه کارگران و قشرها ضعیف جامعه بر احساسات انقلابی آنان چیره خواهد شد و این خود بتواند روسیه را احیا کند. اما روسیه تحمل یک جنگ بزرگ را نداشت و نیروهای آلمانی و اتریشی به راحتی واحدهای روسی را درهم شکستند. هرج و مرج اقتصادی شدیدتر شد و بحران سوخت بروز نمود. جنگ بر کشاورزی هم اثر گذاشت و قطع صادرات غله نتوانست اثرات زیان بار کمبود مواد غذایی را جبران کند. فقر و تیره‌روزی به مرور افزایش یافت و این امر به شورش‌ها و اعتصابات کارگران دامن زد. شکست‌های ارتش روسیه نیز به این وضعیت دامن می‌زد. از سال ۱۹۱۶ با تضعیف حکومت تزارها روند اعتراضات مردمی در نواحی مختلف روسیه تشدید شد و در پتروگراد، مسکو و دیگر شهرهای روسیه نیز احزاب انقلابی و دهقانان و کارگران شرایط سرنگونی تزار را فراهم آوردند. با استعفای تزار نیکلای دوم در مارس ۱۹۱۷ میلادی حکومت تزاری عملاً سرنگون به نظر می‌رسید. پس از آن دولت موقت روی کار آمد. الکساندر فیودورویچ کرنسکی چهره برجسته این دولت محسوب می‌شد که در مقام وزارت دادگستری و با تعقیب و مجازات متهمین به فساد و جنایات گذشته، شهرت پیدا کرده بود. در نیمه ماه مارس ۱۹۱۷ تبعیدیان و فراریان روسی از چهار گوشه جهان؛ از اروپا و آمریکا تا سیبری، به سوی پتروگراد سرازیر شدند. از میان هزاران نفری که در بهار ۱۹۱۷ به روسیه بازگشتند، از هر گروه و طبقه‌ای؛ از انقلابیون قدیمی و

سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها گرفته تا روشنفکران و دانشجویان همگی به کشور بازگشتند. گرچه تا ورود لنین به پتروگراد در ۱۶ آوریل ۱۹۱۷، خطری جدی دولت موقت را تهدید نمی‌کرد. لنین با تجاری‌سازی که در سال‌های فرار و تبعید اندوخته بود و شیوه خاصی که در مبارزات سیاسی داشت، توانست طی مدتی کمتر از هفت ماه مسیر انقلاب روسیه را تغییر دهد و با براه انداختن انقلاب دومی که به انقلاب بلشویکی شهرت یافت، مسیر تاریخ روسیه را عوض کند. نخستین حکومت لنین با جنگ داخلی علیه حامیان سلطنت همراه بود و پس از مدتی رقابت برای جانشینی لنین شدت گرفت. وی در سال ۱۹۲۴ درگذشت و استالین در سال ۱۹۲۹ به رهبری بلامنازع حزب کمونیست شوروی دست یافت. سیاست‌های استالین به صنعتی‌سازی سریع کشور انجامید اما حکومت او با حجم غیرمنتظره‌ای از پاکسازی‌های سیاسی، تبعیدهای دسته‌جمعی و حبس و زندان همراه بود. در ژوئن ۱۹۴۱، آلمان به شوروی یورش برد و جنگی چهارساله درگرفت که ۲۷ میلیون شهروند شوروی در آن جان باختند. روسیه در جنگ جهانی دوم پیروز شد و کنترل سیاسی بیشتر قلمرو اروپای شرقی و مرکزی را برای خود تضمین کرد. استالین تا زمان مرگش در سال ۱۹۵۳ در مسند قدرت باقی ماند. در این دوران حزب کمونیست با استفاده از دستگاه امنیتی عظیم خود بر تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی جامعه تسلط یافت و شوروی با پرداخت بهایی گزاف از حیات انسان‌ها به یک ابرقدرت صنعتی و نظامی بدل شد. خروشچف جانشین استالین تلاش کرد تا جنبه‌های بی‌رحمانه حکومت استالین را افشا کرده، و در عین حال، بخش‌های کلیدی حکومت کمونیستی را حفظ کند. وی سانسور را در جامعه کاهش داده و سیاست خارجی همزیستی مسالمت‌آمیز با غرب را در پیش گرفت، اما با سرکوب قیام سال ۱۹۵۶ مجارستان، سلطه شوروی بر دولت‌های دست‌نشانده این کشور ادامه یافت. با این حال، دستگاه حزبی اعتماد خود را به وی از دست داده و اعتبار خروشچف در پی نحوه رویارویی او با بحران موشکی ۱۹۶۲ کوبا کاهش یافت. خروشچف در سال ۱۹۶۴ در یک کودتای حزبی برکنار شد. در دوران برژنف جانشین خروشچف، شرایط زندگی برای توده‌های مردم پیش‌بینی پذیرتر و مناسب‌تر شد اما سرکوب سیاسی ادامه یافت. با این حال، با توجه به کاهش رشد اقتصادی و سربرآوردن مشکلات اجتماعی دوران برژنف به «عصر رکود» نامبردار شد. از سال ۱۹۷۹، شوروی در جنگی دراز و خونبار در افغانستان درگیر شد. یک نسل کامل قربانی جنگ شوروی در افغانستان شدند. در نهایت در سال ۱۹۹۱ میلادی این کشور به طور رسمی منحل و به چند کشور تجزیه شد و پس از فروپاشی شوروی ۱۵ کشور جدید تاسیس شد و فدراسیون روسیه وارث حقوقی شوروی گردید.

جمعیت

روسیه با حدود ۵/۱۴۴ میلیون نفر (در سال ۲۰۱۷) جمعیت نهمین کشور پرجمعیت دنیاست. تراکم جمعیت روسیه ۸/۴ نفر در هر کیلومتر مربع است که از پایینترین نرخهای تراکم جمعیت در جهان است. همچنین نرخ رشد جمعیت

در این کشور منفی است. بیشتر جمعیت روسیه در غرب این کشور (بخش اروپایی) زندگی می‌کنند. بر اساس سرشماری سال ۲۰۱۰ حدود ۸۱ درصد از مردم این کشور از قومیت روس هستند. در مجموع ۱۶۰ گروه قومی در این کشور زندگی می‌کنند. تاتارها ۳/۹ درصد جمعیت روسیه را تشکیل می‌دهند و بزرگترین اقلیت قومی این کشور محسوب می‌شوند. اقوام اوکراینی، چوواش، باشقیر، چچنی، و ارمنی نیز هر یک بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند و آوارهای قفقازی، بلاروسی‌ها، آسی‌ها، آذربایجانی‌ها و قزاق‌ها از دیگر اقوام پرجمعیت روسیه هستند.

زبان و مذهب روسیه

زبان رسمی روسیه زبان روسی است ولی ۲۷ زبان رسمی دیگر نیز در جمهوری‌ها و مناطق این کشور وجود دارد. این زبان از سال ۱۹۱۷ میلادی تنها زبان رسمی بود که مردم با آن با هم در ارتباط بودند. طبق قانون اساسی روسیه جمهوری‌های جداگانه اجازه دارند که در کنار زبان روسی به صورت نیمه رسمی از زبان بومی خود نیز استفاده نمایند و از جمله زبان‌های رایج دیگر در روسیه، بلاروسی و اوکراینی می‌باشد و همچنین دین اکثریت مردم آنها مسیحیت می‌باشد، اما ادیان دیگر مانند اسلام، یهودی و بودایی نیز طرفداران بسیاری در این کشور پهنور دارند که از این میان "دین مبین اسلام" به عنوان دومین دین در روسیه شناخته می‌شود، همچنین لازم به ذکر است که کلیسای ارتدوکس روسیه، اصلی‌ترین سازمان مذهبی در این سرزمین به شمار می‌آید.

واحد پول روسیه

واحد پول روسیه روبل است، روسیه با تولید ناخالص داخلی ۲۱۱۸ میلیارد دلار هشتمین اقتصاد بزرگ جهان و ششمین بر مبنای قدرت برابری خرید است. روسیه پس از فروپاشی شوروی به اقتصاد بازار روی آورده است و به منابع طبیعی عظیم خود متکی است، درآمد سرانه این کشور سالانه بیش از ۱۸ هزار دلار است. این کشور یکی از پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل، عضو گروه هشت، شورای اروپا، سازمان تجارت جهانی، سازمان همکاری‌های شانگهای و کشورهای مستقل همسود است، واحد پول روسیه روبل بوده و با نماد "Rub" شناخته می‌شود، واحد کوچکتر از روبل کوپک می‌باشد که ارزش هر ۱۰۰ کوپک برابر با ۱ روبل است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بجای روبل شوروی روبل فدراسیون روسیه به جریان افتاد، در طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ میلادی چندین شکل اسکناس به چاپ رسید و به دلیل تورم موجود در آن زمان تعداد صفرهای حک شده بر کالاها حالت نجومی به خود گرفت، پس از ثبات نسبی روبل در سال ۱۹۹۶ دولت تصمیم گرفت برای حل مشکل، روبل جدیدی را عرضه کند که ارزش این روبل جدید برابر ۱۰۰۰ روبل قدیم بود یعنی در واقع سه صفر آخر اسکناس‌ها حذف شد.

ساختار حکومت

فدراسیون روسیه به‌عنوان یک کشور فدرال در زمره‌ی نظام‌های نیمه ریاستی- نیمه پارلمانی قرار دارد. رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی روسیه است که ریاست کشور را در اختیار دارد. قانون اساسی و قانون انتخابات ریاست جمهوری روسیه ترتیب انتخاب رشید مقرر کرده‌اند. بر اساس قانون اساسی و قانون انتخابات ریاست جمهوری، رئیس‌جمهور فدراسیون در برای مدت شش سال و حداکثر برای ۲ دوره متوالی انتخاب می‌شود.

قدرت اجرایی فدراسیون روسیه توسط دولت اعمال می‌شود. ریاست دولت را نخست‌وزیر بر عهده دارد. مطابق قانون اساسی روسیه نخست‌وزیر دومین مقام عالی رسمی فدراسیون است که با تأیید پارلمان توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شود. رئیس‌جمهور حداکثر تا دو هفته پس از در اختیار گرفتن منصب ریاست جمهوری، نامزد نخست‌وزیری را به مجلس نمایندگان معرفی می‌کند. در صورتی که نامزدهای پیشنهادی رئیس‌جمهور تا سه مرتبه به تأیید نمایندگان نرسند، مجلس نمایندگان منحل شده و برگزاری انتخابات جدید در دستور کار قرار می‌گیرد.

مجلس فدرال روسیه - پارلمان روسیه - نهاد قانون‌گذار فدراسیون به شمار می‌رود که مشتمل بر دو رکن است:

«مجلس دوما» به‌عنوان مجلس نمایندگان و مشتمل بر ۴۵۰ نماینده

«شورای فدراسیون» به‌عنوان نماینده‌ی واحدهای سرزمینی فدراسیون و مشتمل بر ۱۷۰ مشاور.

نظام انتخاباتی

مجلس دوما

قانون انتخابات مجلس دوما فدراسیون روسیه چندین بار تغییراتی کرده است. در حال حاضر نظام انتخاباتی مجلس دوما فدراسیون روسیه نظام انتخاباتی ترکیبی است. بر اساس این قانون انتخاباتی، نیمی از نمایندگان مجلس دوما بر مبنای نظام اکثریتی ساده از ۲۲۵ حوزه انتخاباتی تک کرسی و ۲۲۵ نماینده دیگر بر مبنای نظام انتخاباتی تناسبی فهرستی در یک حوزه‌ی انتخاباتی واحد (کل قلمرو فدراسیون) انتخاب می‌شوند. هر یک از احزاب سیاسی برای آنکه بتواند کرسی‌های نمایندگی را تصاحب کند باید حداقل ۵ درصد آراء را به دست آورده باشد. در واقع در این نظام انتخاباتی کشور در دو سطح حوزه‌بندی شده است و هر دو سازوکار انتخاباتی اکثریتی و تناسبی بر همه‌ی رأی‌دهندگان حاکم است. بر روی برگه‌های رأی نیز امکان دو انتخاب پیش‌بینی شده است و تمامی رأی‌دهندگان از دو حق رأی برخوردارند. همچنین نتایج حاصل از رأی‌گیری‌ها بر مبنای هر یک از سازوکارهای مزبور به‌طور مستقل محاسبه می‌شوند و تلاشی برای تضمین تناسب کلی میان کرسی‌های احزاب صورت نمی‌پذیرد؛ بنابراین صرف‌نظر از نتایج انتخابات در حوزه‌های تک کرسی، چنانچه یک حزب حداقل ۵ درصد از آراء را به دست آورده باشد، به همان نسبت کرسی‌های مجلس تصاحب می‌کند. مطابق با قانون انتخابات مجلس دوما، در حوزه‌های انتخاباتی تک کرسی باید

به‌طور تقریبی تعداد رأی‌دهندگان برابری را نسبت به یکدیگر داشته باشند. میزان جمعیت هر حوزه نباید بیش از ده درصد از متوسط جمعیت رأی‌دهندگان در حوزه‌های انتخابیه انحراف داشته باشد. البته این معیار انحراف برای مناطق دورافتاده و مناطقی که به لحاظ جغرافیایی شکل پیچیده‌ای دارند، پانزده درصد است. کمیسیون مرکزی انتخابات فدراسیون روسیه مسئولیت بررسی و باز ترسیم حوزه‌های انتخابیه را بر عهده دارد.

شورای فدراسیون

در حال حاضر فدراسیون روسیه دارای ۸۵ واحد فدرال است. هر واحد فدرال در شورای فدراسیون روسیه دارای دو نماینده است. این مشاوران منتخب مستقیم مردم نیستند، بلکه توسط مقامات واحدهای سرزمینی انتخاب می‌شوند یکی توسط نهاد قانون‌گذار واحد سرزمینی و دیگری توسط نهاد اجرایی آن واحد.